

۱۰۶ ۵۹۱۳

خانم کالدول با پسرش صحبت می‌کند

نویسنده: کامیلو خوسه سیلا

ترجمه: اسکندر جهانبانی



نشر گویا

سرشناسه	: سیلا، کامیلو خوسه، ۱۹۱۶-۲۰۰۲
عنوان و نام پدیدآور	: Camilo Jose, 1916-2002
مشخصات نشر	: خانم کالدول با پسرش صحبت می‌کند
مشخصات ظاهری	: نویسنده کامیلو خوسه سیلا؛ مترجم: سید الهادی
شابک	: تهران : نشر گویا، ۱۳۹۸.
وضعیت فهرست نویسی	: ۲۹۶ ص.: ۱۴×۲۱ سم.
یادداشت	: 978-622-6528-83-2
موضوع	: فیبا
شناسه افزوده	: Mrs. Caldwell habla con su hijo, 1979. عنوان اصلی:
رده بندی کنگره	: داستان‌های اسپانیایی -- قرن ۲۰ م.
رده بندی دیویی	: Spanish fiction -- 20th century
شماره کتابشناسی ملی	: جهانپایی، اسکندر، ۱۳۲۰ - ، مترجم
	: PQ
	: ۸۶۳/۶۴
	: ۵۹۳۲۲۹۸

خانم کالدول با پسرش صحبت می کند

کامیلو خوسه سلا

ترجمه: اسکندر جهانپانی

ویراستار: غلامحسین سالمی

طبع جلد: امیر علایی

صفحه آرای: فرید محمدپور

چاپ نخست: ۱۳۸۸

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۸۳-۵۲۸-۶۲۱-۹۶۴

چاپ: خانه فرهنگ و هنر



نشر گویا

خیابان کریم خان زند، روبروی ایرانشهر، پلاک ۸۹

تلفن: ۸۸۳۱۳۴۳۱ - ۸۸۸۲۸۸۸۴

www.gooyabooks.com info@gooyapub.com

حق چاپ و انتشار کلیه مطالب محفوظ می باشد.

هرگونه اقتباس و استفاده از مطالب منوط به دریافت اجازه از ناشر می باشد.

 gooya.publication
gooyabookstore

فهرست

۷.....	بهای زناغی است
۱۳.....	پیش‌نقار
۲۷۱.....	نامه‌هایی از یار و تار سلطنتی دیوانگان
۲۷۵.....	بی‌گفتار
۲۷۷.....	سر، هندسه و قلب

پیش‌گفتار

طی سفری که چند سال پیش به منطقه‌ی ال کاریا، داشتم با خانم کالدول در پاسترانا آشنا شدم.

خانم کالدول با دقت کاشی‌های اتاق خوابی را که شاهدخت ابولی روزهای آخر عمرش را در آن سپری کرده بود، می‌شمارد، سپس آن‌ها را تک‌تک لای کاغذ ابریشمین می‌پیچید و توی کیف‌اش می‌گذاشت. کنش با شکمی برآمده، پر از چیزهایی با دقت چیده شده.

یک شب پس از صرف شام در مهمان‌خانه، خانم کالدول را چند صفحه از نامه‌هایی را برایم خواند که به یاد پسرش، «الیاسیم»، نوشته بود. مری لطیف مثل برگ پرسیاوشان، که قهرمانانه در آب‌های خروشان دریای سیاه جال باخته بود. عنوان اثر خانم کالدول ابتدا «با پسر عزیزم، الیاسیم صحبت می‌کنم» بود. چند عنوان دیگر نیز در دفترچه یادداشت‌اش نوشته بود، ولی بی‌تردید عنوان کتابی که اکنون در دست شماست، زیباترین است.

یک ماه یا یک ماه و نیم پیش دوستی از لندن که عقیم‌کننده‌ی بلدرچین است - سر دیوید لایورل دسورگس - به من نامه نوشت و خبر غم‌انگیز فوت خانم کالدول را در بیمارستان سلطنتی دیوانگان همان شهر اطلاع داد.

سر دیوید همراه با نامه‌ی خود، یک پاکت حاوی دست‌نوشته‌های خانم کالدول را برایم فرستاد. «او می‌خواست - سر دیوید توضیح داد - که این کتاب به دست شما برسد، جوان خانه‌به‌دوشی که با او تا حد دل‌سیری صمیمی شد و حتی تا مرز سیر شدن پیش رفت. خانم کالدول همیشه از شما با محبت یاد می‌کرد و به ما، به من و زنم، می‌گفت که شما نگاهی شیرین و گریزان دارید، ناهی بسیار شبیه پسرش، الیاسیم آرو کالدول، لطیف مثل برگ پرسیاوشان که قهرمانان همانگونه که احتمالاً خبر دارید، در آب‌های خروشان دریای اژه جان را از دست داده است.»

صحافت من امروز تقدیم شما می‌کنم، نوشته‌های دوست شوربخت من خانم کالدول، پیرزن خانه‌به‌دوشی است که تا مرز دل‌سیری با او صمیمی شدم ولی هرگز از او سیر نشدم، روش‌ش نادان!